



## امپریالیست های امریکایی و ناتو خلق سوریه را سلاخی می کنند؛ با همبستگی با خلق سوریه، این جنگ استعماری را تقبیح نماییم!

دولت های ارتجاعی مستبد که در خدمت طبقات حاکمه قرار دارند، رژیم های غارتگری به شمار می روند که توده های زحمتکش همواره قربانی آن هستند. دولت های مذکور با اعمال سیاست های فاشیستی و ضد مردمی مصروف غارت و چپاول مردم اند و با حمایت دولت های امپریالیستی، جنبش های رهایی بخش را سرکوب می کنند و سرانجام زمینه ساز تجاوز و لشکرکشی کشورهای امپریالیستی می گردند.

امارت اسلامی ملا عمر که زائیده وحشت جهادیان بود، رژیم بعثی صدام و دولت مستبد معمر قذافی نمونه دولت های مستبد و ضد دموکراتیک هستند که امپریالیست های امریکایی و شرکای ناتو اش برای تأمین منافع استراتژیک و غارت ملل، به بهانه های جنگ علیه القاعده، تروریسم و دفاع از حقوق بشر، آن ها را آماج حملات امپریالیستی قرار دادند و با لشکرکشی های خونین و مداخلات مستقیم، خلق ها را درین کشورها از دم تیغ گذراندند.

با خصلت جنگ افروزان امپریالیست ها، اینک نوبت به رژیم ضد دموکراتیک بشار اسد رسیده است. رژیم اسد که متحد نزدیک رژیم سفاک آخوندی ایران است، بر اساس ستراتیژی امریکا برای شرق میانه، باید سرنگون گردد و زهرچشم از کشورهای حامی سوریه به ویژه ایران بگیرد. پس از «بهار عربی» در چند کشور عربی، موج اعتراضات به سوریه رسید و مردم به خصوص کارگران و زحمتکشان تهدیدست که از سیاست های نئولیبرالیستی و غارتگرانه چند دهه خاندان اسد به ستوه آمده بودند، دست به اعتراضات وسیع زدند. امپریالیست های امریکایی نیز با دیدن اعتراضات مردمی فرصت را از دست نداده، با اجیران داخلی در سوریه سمت و سوی این اعتراضات را تغییر دادند و آن را به جنگ ارتجاعی و استعماری تمام عیار مبدل ساختند.

امپریالیست های امریکایی مدتهاست که به خاطر سرنگونی رژیم بشار اسد به منظور حفاظت از اسرائیل این سگ نگهبان امپریالیسم امریکا در منطقه، سرمایه گذاری کرده اند، چنانچه در این اواخر مطبوعات غربی گزارشی را به نشر سپردند که در زمان ریاست جمهوری جورج بوش، شش میلیون دلار به مخالفان بشار اسد «کمک» صورت گرفته تا در راستای سرنگونی حکومت وی به مصرف برسانند.

چنانچه تذکر رفت، با آغاز اعتراضات در هفده ماه قبل، نوکران داخلی امپریالیست های امریکایی با هدایت مستقیم سیا و انتلجنس سرویس وارد صحنه شدند تا با ایجاد «ارتش آزاد سوریه» جنگی را که منتج به تأمین منافع امریکا، انگلیس و متحدان ناتویی آن می شود، براه اندازند. این جنگ که زیر نظر مستقیم امریکا و انگلیس صورت می گیرد، با حمایت مالی عربستان سعودی و قطر و حمایت آموزشی ترکیه همراه است؛ القاعده نیروی مهم این جنگ است و بی جهت نیست که ایمن الظواهری از رهبران القاعده، از مخالفان بشار اسد حمایت نمود و رژیم او را غده سرطانی خواند.

حضور القاعده در این جنگ استعماری و حمایت امپریالیست های امریکایی از آن، بیش از پیش ماهیت واقعی جنگ امپریالیستی در افغانستان را روشن می سازد و سیلی های محکمی بر روی وطفروشان حواله می کند که امریکا را منجی و دوست افغانستان تبلیغ می کنند. امریکا و القاعده که «دشمن» یکدیگر به حساب می آیند، در جنگ سوریه در «اتحاد مقدس» قرار گرفته اند تا دمار از

روزگار خلق های تحت ستم بکشند. این سازمان مخوف و فاشیست اسلامی برای تأمین منافع امریکا چون سگ هار عمل می کند، چنانچه در افغانستان از راه «دشمنی» با امریکا، برای تأمین منافع ستراتیژیک این امپراتوری خونریز عمل کرد.

امپریالیست های امریکایی و متحدان ناتویی آن پس از یازدهم سپتمبر با حربه «دشمنی» با القاعده و «تروریسم» به کشور ما یورش آوردند و آن را به مستعمره خود مبدل ساختند. پیامد این اشغال اکنون با گذشت بیشتر از ده سال، سرزمین جنگزده، فقیر و در پرتگاه نابودی است که استعمارگران 48 کشور و دولت پوشالی مرکب از خاینان هفت ثوری، هشت ثوری، طالبان و تکنوکرات های وطنفروش بر آن حاکمیت می رانند.

امپریالیسم امریکا که در زمان تجاوز سوسیال امپریالیسم شوروی بر کشور ما، القاعده را سازماندهی و تجهیز نمود، برای پیاده نمودن ستراتیژی آسیایی اش، از آن «دشمن جهانی و خطرناک» ساخت. موجودیت این «دشمن خطرناک» در کشور ما، نیروهای اشغالگر و متحدان جهانی اش را به افغانستان کشاند و کشور ما به اشغال امپریالیست ها درآمد. 50 هزار مورد بمباردman در سال، 24 زندان امریکایی، ادرار بر اجساد، انداختن اجساد به سگ های ارتش، بمباردman و قتل عام محافل عروسی فقیرترین دهقانان روستایی، تجاوز جنسی بر زنان، به گلوله بستن اطفال، راکت پرانی های همسایگان، شکاف عمیق طبقاتی، محرومیت 7 میلیون تن از نعمت سواد، به بردگی کشاندن کودکان به کارهای شاقه، مرگ و میر سالانه 10 هزار کودک از مرض توبرکلوز، یک و نیم میلیون معتاد، جان باختن مادری در هر دو ساعت بر اثر ولادت، چهار میلیون بیکار، نداشتن دسترسی هشتاد در صد مردم به آب آشامیدنی صحی، فضای آلوده شهر کابل، حملات انتحاری، سر بردن ها، آدم ربایی، فحشا، فساد، غارت و چپاول، تاراج منابع زیرزمینی، خود سوزی زنان و خشونت علیه آنان، تحمیق مردم، موجودیت 200 باند مسلح جنایتکار، ویرانی خانه های گلی دهقانان، توهین و تحقیر کارگران و استخدام جواسیس، حاکمیت جنایتکاران در قدرت و غیره از ارمغان این اشغال بوده است. با تمام موارد فوق در کشور ما، امریکا نوکران افغان خود را وادار می سازد تا در سوریه علیه «استبداد» بجنگند، و اوپاما این جلاد جهانی اعلام می دارد که «ماموریت» افغانستان را به پایان می رساند، چون القاعده در حال «شکست» است و توانایی اش را از دست داده است!!

ولی همین «القاعده»ی در حال «شکست» در افغانستان، در سوریه به نفع ایالات متحده امریکا و متحدان ناتویی آن با تمام «توان» موفقانه می جنگد و امریکا هم از آن حمایت می کند. رئیس مستعفی اکادمی نظامی ترکیه امیرالبحر تورکر ارتورک در ماه جون 2012 گفت: «دولت ایالات متحده امریکا از هجوم همه انواع تروریست ها و القاعده به سوریه، که چندین عملیات تروریستی بزرگ را در این کشور انجام داده، پشتیبانی می کند.» روزنامه گاردین نیز اخیراً در یکی از مقالات خود به قلم سامی رضانی نوشت: «ایالات متحده امریکا و ترکیه به حساب دالره های نفتی قطر و عربستان سعودی اوضاع سوریه را به شدت متشنج می سازند. در حالی که هیلری کلنتن جامعه جهانی را به ضرورت مداخله نظامی در سوریه متقاعد می سازد، سازمان سیا از شبه نظامیان پشتیبانی نموده، آنان را آموزش می دهد. واضح است که ایالات متحده امریکا و متحدان ناتویی آن فرماندهان سازمان های تروریستی و جنایتکاران معمولی را از کشورهای مختلف به مزدوری گرفتند و سپس آنان را در مراکز آموزشی ویژه در خاک ترکیه و لبنان آموزش دادند.» یک تن از مقامات امنیتی عراق که عضو هیئت ناظران کشورهای اتحادیه عرب نیز است، می گوید که او در شهر حمص سوریه نوکران و اجیران پاکستانی، عراقی و افغان را دیده است که علیه دولت سوریه می جنگند. تمام این ها نشان می دهد که «دشمن» امریکا در افغانستان، چگونه به دوستش در سوریه مبدل شده و منافعش را تأمین می کند.

سازمان انقلابی افغانستان باور دارد که مبارزه دموکراتیک باید با مبارزه ملی (مبارزه علیه امپریالیزم) گره بخورد تا توده های ستمدیده به رهایی برسند. مبارزه ای که با حمایت امپریالیست ها علیه استبداد صورت می گیرد، به معنای تنگتر نمودن حلقه اسارت و بردگی بر گردن خلق های تحت ستم است، و این اسارت «دموکراتیک» نه تنها ملتی را به آزادی و دموکراسی نمی رساند، بلکه شدت ستم را بیشتر و بیشتر می سازد.

ما در کشور خود جریانات، احزاب، سازمان ها و گروه هایی را سراغ داریم که به بهانه مبارزه علیه استبداد (طالبان و جهادی ها) به پای استعمارگران گل ریختند و آنان را قهرمانان دموکراسی در کشور ما جار زدند، ولی اینک با گذشت بیشتر از ده سال، توده های ما با پوست و استخوان حس می کنند که چگونه زیر ستم امپریالیست های گوناگون، جهادی ها، طالبان، خادی ها و تکنوکرات های مزدور هست و بود خود را می بازند. در حالی که افغان ها با تمام وجود جنایت های این تجاوز را تجربه می کنند، شماری از جریانات سیاسی ایران برای سرنگونی رژیم سفاک ولایت فقیه، به جای باور و ایمان بر بازوان ستم توده های تهیدست ایرانی، چشم امید به امپریالیست ها دوخته و عملاً در خط تسلیم طلبی قرار گرفته اند که مطمئناً سرنوشت همسان با تسلیم طلبان ما خواهند داشت.

سازمان انقلابی افغانستان ضمن همبستگی عمیق با خلق ها و توده های تحت ستم سوریه و ایران، به این باور است که رهایی آنان از زیر یوغ استبداد و فاشیزم مذهبی، تنها و تنها با مبارزات دموکراتیک توده ای ممکن است که در عین حال ضامن استقلال کشور باشد. جبین ساییدن بر چکمه های امپریالیست ها جهت مبارزه علیه استبداد داخلی، کار چوکره های سیاسی است که در نهایت امپریالیست های خونخوار را بر گرده خلق های ستمدیده سوار می کنند.

## **مرگ بر امپریالیزم**

### **در راه سوسیالیزم، به پیش!**

سازمان انقلابی افغانستان

22 اسد 1391